

مکتب تاریخ نگاری آنال^۱

بهزاد کریمی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس

bhzkarimi@gmail.com

چکیده

این مقاله مکتب تاریخ نگاری آنال را که در اوایل قرن بیستم در فرانسه شکل گرفت بررسی می کند. این مکتب یکی از تاثیرگذارترین مکاتب تاریخ نگاری و جنبش های روشنفکری در قرن بیستم بوده است. رویکرد نویسنده در این مقاله رویکردی توصیفی-تحلیلی است و می کوشد با مطالعه زمینه تاریخی ظهور مکتب آنال، روند شکل گیری و تحولات آن را در سطح نسل اول این جریان تاریخ نگارانه-روشنفکرانه دنبال نماید. این مقاله نشان خواهد داد که زندگی خصوصی هر یک از رهبران این مکتب چگونه مواضع علمی آنها را تحت تاثیر خود قرار داد و در پایان آثار مکتب آنال به صورت خلاصه ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ نگاری فرانسه، مکتب آنال، فور، بلوک، برودل.

۱. تاریخ وصول: ۸۹/۳/۱۷؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۵/۱۰.

تاریخ‌نگاری، از دوران باستان تا کنون فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. تا قبل از آغاز دوران مدرن، نگارش تاریخی، کاری ادبی و فنی دبیرانه و شاعرانه به شمار می‌رفت، زیرا اصولاً تاریخ آنچنان که ارسطو در تقسیم‌بندی معروف خویش از علوم ارائه می‌دهد، ذیل ادبیات قرار می‌گرفت. بعد از آغاز دوران روشنگری در اروپا، رویکرد تازه‌ای به تاریخ، بوجود آمد و در قرن نوزدهم به بلوغ رسید. یوزیتویسم، به دلیل پیشرفت‌های چشمگیر علوم طبیعی از آغاز این قرن، خود را مُجاز به ورود به عرصه علوم انسانی دانست و مورخان و نظریه‌پردازان بی‌محابا با قواعد علوم طبیعی به سراغ علوم انسانی که در علوم اجتماعی و تاریخ تبلور یافته بود رفتند. به کارگیری قواعد سخت‌گیرانه و خشک علوم طبیعی در پژوهش‌های تاریخی، حامیان و منتقدانی یافت. از جمله این منتقدان می‌توان به موسسان مکتب آنال اشاره کرد که اعتقاد داشتند، با قواعد خشک و مکانیزه رانکه‌ای، همه وجوه انسانی و اجتماعی تاریخ، قابل شناسایی نیست. مکتب آنال با اقبال گسترده‌ای از جانب مورخان مواجه و سرآغاز جریان‌های تازه‌ای در تاریخ‌نگاری شد.

تاریخ‌نگاری فرانسه پیش از ظهور آنالی‌ها

اصولاً می‌توان ظهور مکتب آنال در فرانسه ابتدای قرن بیستم را واکنشی به تلقی رایج از تاریخ و شیوه‌های تاریخ‌نگاری معاصر ارزیابی کرد. تاریخ‌نگاری فرانسه تا قبل از ظهور آنال ادامه تاریخ‌نگاری یوزیتویستی، سندگرایانه و تخصص‌محور فرانسوی - آلمانی کُنت،^۱ میشله^۲ و رانکه^۳ بود. از یک سو اندیشه‌های یوزیتویستی کنت در جهت علمی کردن و قانون‌مند نمودن علوم اجتماعی و از دیگر سو سیطره گفتمان مدرک‌محور رانکه، مورخ شهیر آلمانی تاریخ‌نگاری اروپا و از جمله فرانسه را در اختیار داشتند.^۴

1. Comte.
2. Michelet.
3. Ranke.

۴. پیران، سیزده: اسمیت، ۷۴؛ فولادوند، ۱؛ 31، Munslow.

کنت، پذیرش دو فرضیه انسان عاقل و قادر به فهم پدیده های هستی و نیز نظم طبیعی و قانون مندی هایی را که از طریق روش های پوزیتیویستی قابل شناسایی اند، به حوزه هایی جز علوم تجربی تعمیم داد و استفاده از روش های شناخت علوم تجربی در علوم اجتماعی را مجاز دانست و کوشید تا از این راه همه چیز را علمی کند. گرچه تاریخ نگاری را تنها به نشان دادن ویژگی های نظم طبیعی و تداوم پایدار آن مقید و محدود کرد.^۱ میشله، تاریخ نگار شهیر و موثر فرانسوی آثار متعددی را در قرن نوزدهم در اختیار جامعه فرانسوی گذاشت. مطالعات تاریخی و آثار وی مبتنی بر مطالعه دقیق و آرشیو اسناد بود. او می کوشید تا در آثارش بیش از پیش به فرانسه توجه کند و از جمله در اثر بزرگ خویش، تاریخ فرانسه وفاداری ملی گرایانه خویش را به وطن بروز داده است. می توان گفت او از جمله مورخانی بود که می کوشید با مطالعه تاریخ، روحیه ملی گرایی را تقویت کند. تأثیر او در تاریخ نگاری فرانسه وسیع و غیر قابل انکار است. برخی از جنبه های تاریخ نگاری او از جمله توجه همزمان او به وقایع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، بعدها در مکتب آنال موثر واقع شد.^۲ رانکه هم که از جمله تاریخ نگاران دوره مدرن است نیز با نظرات ملهم از پوزیتیویسم بزودی نه تنها آلمان بلکه سایر نقاط اروپا را تحت تأثیر قرارداد. برآستی می توان رانکه را همانگونه که لرد اکتون^۳ گفته است، تاریخ نگار «تاریخ بی روح» نامید.^۴ «بی روح» بودن البته در اینجا نشان از سعه صدر و وفادار ماندن به واقعیت ها بود، بدون آنکه تمایلات مورخ در نگارش تاریخ تأثیری بر جای بگذارد. رانکه، تاریخ نویسان را به حفظ کردن، مرتب کردن و بررسی دقیق اسناد ترغیب می کرد. او تمام هدف خود را ضمن جمله ای در کتاب تاریخ مردم

۱. پیران، همانجا.

۲. بهرامی، ۲۴-۲۳.

3. Acton, Lord (John).

۴. هیوز- وارینگتن، ۳۸۴.

لاتینی و توتونی/ از ۱۴۹۴ تا ۱۵۱۴^۱ اینگونه بیان کرد: «این اثر صرفاً تلاش دارد تا تاریخ را همانگونه که واقعاً رخ داده نشان دهد» (wie es eigentlich gewesen).^۲

از اوایل قرن بیستم، تاریخ نگاری رانکه‌ای از طریق نمایندگانی در فرانسه جریان داشت و گفتمان غالب تاریخ نگاری به شمار می‌رفته است. کسانی همچون شارل ویکتور لانگلوآ^۳، شارل سینیوبوس^۴ و گابریل مونو^۵ از جمله برجستگان این مکتب تاریخ نگاری در فرانسه بودند. ایشان از طریق انتشار مجله‌ای با نام بررسی تاریخی^۶ به ترویج آراء و عقاید خویش پرداختند. در تاریخ نگاری‌های محصول این مورخان، تاریخ دیپلماتیک یا به تعبیر بهتر تاریخ سیاسی غلبه داشت و تاریخ نگاری بدون توجه به تاریخ سیاسی مطرود بود.^۷ بر پایه نظرات این متفکران، مورخ می‌بایست از فروض فلسفی و یا متافیزیکی بپرهیزد و تنها به وقایع تاریخی دقت و با ابزاری عینی، حقایق علمی را مشاهده کند. در این نگرش، اسناد به عنوان مجموعه‌ای از حقایق تاریخی اهمیت می‌یابد. پس مورخ باید با غور در اسناد واقع تاریخ را کشف و بیان کند بدون آنکه تفسیر خود را در این فرایند تأثیر دهد. در این دیدگاه، کار مورخ کشف است و نه بازسازی گذشته در ظرف حال.^۸ بعدها پس از تأسیس مجله *آنال* مقالاتی در نقد جریان تاریخ نگاری حاکم بر فرانسه به چاپ رسید که می‌توان از میان آنها چهار ایراد اساسی را شناسایی کرد. این نقدها راه اصلی مکتب *آنال* و موضع آنان نسبت به تاریخ را روشن می‌کرد:

۱. این تاریخ تنها اسناد و مدارک کتبی و شواهد مستقیم را در نظر می‌گیرد، حال آنکه اسناد و مدارک غیر کتبی و شواهد غیر مستقیم (آثار باستان شناسی، مدارک آماری و ...) نیز در مورد فعالیت انسان اطلاعاتی ارائه می‌دهند.

1. *Geschichte der romanischen und germanischen Volker von 1494 bis 1514.*

۲. همو، ۳۸۶-۳۸۵ و 257. Hursgor.

3. Langlois, C.V.

4. Seignobos, C.

5. Monod, Gabriel.

6. *Revue Historique.*

7. Bentley, 104-105; Trover-Roper, 21; Huppert, 876.

۸. پیران، سیزده.

۲. این تاریخ پوزیتیویستی بر رویدادها و حوادث غیر عادی-که در مقاطع محدود زمانی اتفاق می افتند مانند جنگ ها و کشمکش ها و ...- تکیه می کند در حالی که شناخت زندگی اجتماعی که با پژوهش در رویدادها و وقایع عادی و مکرر-که در دراز مدت انجام می گیرد مانند کشت گندم- حاصل می گردد، جالب توجه ترند.

۳. این تاریخ، ارزش زیادی برای حوادث سیاسی، دیپلماتیک و نظامی قائل است و به غلط وقایع اقتصادی اجتماعی و فرهنگی را به چیزی نمی گیرد.

۴. این تاریخ که انعکاس فرانسه شکست خورده در سال ۱۸۷۵ است، محافظه کار و بیش از اندازه محتاط است از بحث و مجادله اجتناب می ورزد، به ندرت جرأت نتیجه گیری پیدا می کند و بطور کلی از هر گونه ترکیب و تلفیق مسائل چشم می پوشد.^۱

پیشگامان نوگرا

در کنار جریان رسمی و غالب تاریخ نگاری فرانسوی که مشخصات آن برشمرده شد. از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برخی اندیشمندان در حوزه های مختلف علوم انسانی -اصطلاحی که فور بعدها برای اولین بار بکار برد- کوشیدند تا نقادانه راه جدیدی را باز کنند. این افراد جریان ساز، ایده هایی در اختیار موسسان آتی مکتب آنال نهادند. در واقع می توان گفت اینان در شکل-گیری مکتب آنال تأثیر بسزایی داشتند. افرادی همچون هنری هوسر،^۲ آلفونس الار،^۳ فردیناند لت،^۴ هانری پیرن،^۵ هانری بر،^۶ پل ویدال دولابلاش،^۷ امیل دورکیم،^۸ شارل بلوندل،^۹ هانری والون،^{۱۰}

۱. فولادوند، ۲.

2. Hauser, Henri.
3. Aulard, Alphonse.
4. Lot, Ferdinand.
5. Pirenne, Henri.
6. Berr, Henri.
7. Vidal de la Blache, Paul.
8. Durkheim, Emile.
9. Blondel, Charles.
10. Wallon, Henri.

مارسل ماس،^۱ سیمیان،^۲ دمانژیون^۳ و سیون^۴ همگی از جمله پیشگامانی بودند که ضمن نقد اندیشه‌های معاصر خود، راه را برای ظهور اندیشه آنال هموار کردند.^۵ از میان ایشان سه نفر نقش مهمی در شکل‌گیری اندیشه‌های فور و بلوک، موسسان مکتب آنال ایفا کردند: ویدال دو لابلش، هانری بر و امیل دورکیم که به آنها خواهیم پرداخت.

ویدال دو لابلش، متخصص جغرافیای انسانی فرانسوی است. جغرافیای انسانی نگرش جدیدی بود که وی توانست آن را توسعه داده و موسسان آنال را تحت تأثیر قرار بدهد. از جمله مفاهیم اصلی دو لابلش که مورد استفاده موسسان مکتب آنال قرار گرفت می‌توان به «بستر، ذهنیت‌ها، انواع زندگی و تمدن» اشاره کرد.^۶ فور بعدها در سال ۱۹۵۳ هنگام یادآوری خاطرات خود از چگونگی تأسیس آنال که البته با کمی اغراق همراه است می‌گوید: «جغرافیای ویدالی رهیافتی را پدیدآورد که منجر به شکل‌گیری شیوه تاریخ‌نگاری آنال شد.»^۷ دو لابلش در سال ۱۸۷۷ به عنوان معلم جغرافیا وارد دانشسرای عالی^۸ فرانسه شد و با نگرش جدیدی که داشت جغرافیا را با تاریخ پیوسته و همراه کرد اما تأثیر فزاینده او از سال ۱۸۹۱ و با پایه‌گذاری مجله *آنال جغرافیا*^۹ آغاز شد. او با مطالعاتی که در آنها جمعیت ساکن در مناطق و مناظر جغرافیایی، غیر فعال و خنثی تصویر شده بود مخالفت می‌کرد و به جای آن از دیدگاهی حمایت می‌کرد که در آن مناطق جغرافیایی از منظر انسان‌های ساکن در آن مورد بررسی قرار می‌گرفت. مطالعات بعدی دو لابلش درباره فرانسه با چنین دیدگاهی بلوک جوان را تحت تأثیر قرار داد و باعث شد او به هنگام تحصیل در دانشسرای عالی موضوعی را درباره جغرافیای تاریخی برای پژوهش انتخاب کند.^{۱۰}

1. Mauss, M.

2. Simiand, F.

3. Demangeon, A.

4. Sion, J.

۵. پیران، سیزده و شانزده؛ هیوز - وارینگتن، ۳۴؛ اسمیت، ۷۴؛ 6-7؛ Aymard, 106-107; Bentley.

۶. اسمیت، ۷۴.

7. Bentley, 106.

8. Ecole Normale Superieure.

9. *Annales de geographie*.

10. Bentley, 106.

اما شخص تأثیرگذار بعدی، هانری بر بود. نقش او در توجه دادن مطالعات تاریخی به سمت پیوستن با دیگر علوم انسانی قابل توجه است. او که یک فیلسوف بود به تدریج به تاریخ علاقمند شد. رساله او در دانشگاه پاریس بر مسأله ترکیب معرفت تاریخی متمرکز بود. این موضعگیری در پژوهش از آنجا که بر خلاف سنت‌های علمی رایج زمانه بود در سال ۱۹۱۲ باعث قبول نشدن درخواست وی همراه با سیمیان از سوی کولژ دو فرانس^۱ گردید.^۲ او از جمله تاریخ نگارانی بود که از ساده‌انگاری دیدگاه پوزیتیویستی و «روح تخصص محوری» به جان آمده بودند. در اندیشه وی، علم محتاج فلسفه بود اما پوزیتیویسم از آغاز نادیده گرفتن فلسفه را سر لوحه کار خود قرار داده بود. او به منظور توسعه نظریه معروف خویش یعنی «سنتز تاریخی» در سال ۱۹۰۰ دست به تأسیس مجله بررسی سنتز تاریخی^۳ زد. او توانست بر گرد این مجله، عده‌ای از منتقدان روشن بین زمانه از حوزه‌های مختلف علوم را جمع آورد. از جمله اینها می‌توان به فور و بلوک اشاره داشت. فور از سال ۱۹۰۵ و بلوک از سال ۱۹۱۲ به جمع نویسندگان این مجله نوگرا و پیشرو پیوستند. بر همچنین دست به انتشار آثاری تحت عنوان *تکامل انسانی*^۴ زد. انتشار این مجموعه تا سال ۱۹۵۴ ادامه یافت و شماره مجلداتش ۶۵ رسید. فور از جمله کسانی بود که در انتشار این مجموعه با نگارش کتاب *رابله*^۵ شرکت جست. همچنین بلوک با نگارش کتاب معروف *جامعه فئودالی*^۶ در همین مجموعه به مقایسه تطبیقی تاریخ جوامع اروپائی دست یازید. نقش هانری بر در شکل‌گیری مکتب آنال آنقدر قابل توجه است که فرنان برودل چنین بگوید: «دیدگاه آنال، پیدایش و برنامه اش به سه نفر مربوط می‌شود: هانری بر، لوسین فور و مارک بلوک ... هانری بر حتی قبل از خلق مجله *آنال*، یعنی از حدود ۱۹۰۰ و یا حتی از ۱۸۹۰ جزئی از آن بود. اگر کسی آروزمند دانستن این مسأله باشد که به راستی چگونه آنال آغاز شد، باید به او مراجعه کند».^۷

1. College de France.
2. Bentley, 107.
3. College de France.
4. *L Evolution de l humanite*.
5. *Rabelais*.
6. *La societe feodale*.

۷. پیران، چهارده و پانزده؛ اسمیت، ۷۶؛ Bentley, 107; Aymard, 6-7.

در آخر اما باید از جامعه شناس مشهور قرن نوزدهم اروپا یاد کرد: امیل دورکیم. او از جمله جامعه شناسانی بود که از پژوهش‌های بین رشته‌ای به‌ویژه ترکیب جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تاریخ حمایت می‌کرد.^۱ وی تاریخ را یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی می‌دانست که جامعه‌شناس سخت بدان محتاج است. کتاب *صور بنیانی حیات دینی* که بنیاد های نظام دینی را مورد بررسی قرار می‌دهد نمودار علاقه وی به ترکیب تاریخ و علوم اجتماعی است.^۲ وی با تأسیس مجله *آنال جامعه‌شناسی*^۳ در اواخر دهه ۱۸۹۰ به نشر افکار و آراء خویش اقدام کرد. این مجله و مقالات آن همچون مجله *آنال جغرافیای دو لابلان* به یکی از منابع مهم شکل‌گیری اندیشه آنال تبدیل شد،^۴ اگرچه بعدها نزد موسسان آنال توجه به دورکیم با اختلافاتی همراه شد. فور، با بررسی آثار دورکیم اعتقاد داشت که وی در بکارگیری تاریخ برای تبیین جامعه‌شناسی خویش دچار اشتباهاتی شده‌است و در این میان، کار جامعه‌شناسی ماس را به دورکیم ترجیح می‌داد.^۵ اما بلوک بیشتر از فور تحت تأثیر دورکیم قرار گرفت. او چنین به ستایش دورکیم می‌پردازد: «او به ما تحلیل کردن عمیق را آموخت... این‌که چگونه به مسائل بیندیشیم و افکارمان را متمرکز کنیم». تأثیر و نفوذ همشهری آزرسی بلوک در اولین آثار وی همچون *مس شاهانه*^۶ و مقاله‌ای با عنوان *تأملات یک مورخ بر داستان‌های دروغین جنگ*^۷ ظاهر می‌شود. در اثر نخست، بلوک با استفاده از مفهوم دورکیمی «وجدان جمعی» به موضوع پژوهش پرداخت و در اثر دوم، شیوه‌های نادرست رایج در زمان جنگ را بررسی کرد. هائری بر در هم‌نوایی با بلوک درباره دورکیم می‌گوید: «ما معتقدیم که جامعه‌شناسی برای تثبیت خود به عنوان یک رشته علمی، اصولاً باید به مطالعه آنچه که در تاریخ از ماهیتی اجتماعی برخوردار است بپردازد. به نظر ما نقطه عزیمت این رشته باید داده‌های واقعی

۱. بیران، شانزده.

۲. بهرامی، ۳۰.

3. *Annee Sociologique*.

۴. بیران، شانزده؛ Bentley, 104.

5. Aymard, 6-7.

6. Ibid.

7. *les rois thaumaturges*.

8. *Reflexions d un historien sur les fausses nouvelles la guerre*.

تاریخ باشد. به گمان ما مزیت عمده دورکیم و گروه وی ... در میان جامعه شناسان فرانسه این است که روشی دقیق، تجربی و تطبیقی را در مورد واقعیت‌های تاریخی بکار بسته اند...^۱ بلوک نیز تأثیر دورکیم بر آنالی‌ها را این‌گونه توضیح می‌دهد: «مورخان نسل من آنچنان به آنال [جامعه شناسی] قدیمی مدیونند که نمی‌توانند آن را به زبان بیاورند».^۲

موسسان: فور و بلوک

فور در سال ۱۸۷۸ در منطقه نانسی فرانسه به دنیا آمد. او فرزند یک معلم دبیرستان بود و پس از گذراندن دوره سربازی، مدت پنج سال از ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۲ را در دانشسرای عالی پاریس گذراند و این فرصتی بود که کمتر دانشجوی فرانسوی می‌توانست از آن بهره‌بردار شود زیرا در هر سال کمتر از پنجاه دانشجو به صورت رقابتی به این دانشسرا وارد می‌شدند. جو حاکم بر دانشسرا که فضایی آزاد را برای طرح مباحثات علمی و دانشجویی فراهم آورده بود و نیز شیوه تدریس که برخلاف روش‌های رایج سخنرانی استاد، به صورت کنفرانس برگزار می‌شد، باعث گردید تا فور از نظرات مختلف و متفاوت دیگر دانشجویان مطلع و با جهان‌های تازه‌ای آشنا شود. اما اتفاق اصلی‌ای که آینده علمی فور را تعیین کرد، شرکت در سلسله سخنرانی‌های دانشگاه سوربن^۳ بود که اغلب دانشجویان دانشسرای عالی در آن شرکت می‌جستند. فور در مدت پنج سال به صورت مرتب در جلسات سخنرانی افرادی همچون هانری برگسون^۴ و لوسین لوی برول^۵ درباره فلسفه، پل ویدال دولابلاش درباره جغرافیا، آنتونی میله^۶ درباره زبان شناسی، هانری برمون^۷ درباره ادبیات و امیلی ماله^۸ درباره تاریخ هنر شرکت کرد و چیزهای فراوانی آموخت.^۸ همین مجموعه سخنرانی‌ها و

۱. اسمیت، ۷۶-۷۵

2. Rhodes, 110.
3. Sorbonne.
4. Bergson, Henri.
5. Levi-Bruhl, Lucien.
6. Meillet, Antonie.
7. Bremond, Henri.
8. Male, Emile.

سمینارها باعث علاقه‌مندی او به مطالعات بین‌رشته‌ای شد و همچنین موجب گردید تا مزیت مطالعات ترکیبی را بر روش خشک و روایت محور آلمانی حاکم دریابد. این تمایل، موضوع تز دکتری او را در سال‌های بعد صورت بندی کرد: فیلیپ دوم و و فرانش کنت^۱. موضوعی که به زادگاه فور در عصر فیلیپ دوم یعنی قرن شانزدهم اختصاص دارد.^۲ نگارش این اثر از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲ بطول انجامید و هنگامی که منتشر شد در سی و سه سالگی، فور را به مورخی پیشرو بدل کرد.^۳ این اثر به نهضت اصلاحات دینی در منطقه فرانش کنت می‌پردازد و تصویری روشن از ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و سیاسی این سرزمین ترسیم می‌کند.^۴ فور سپس با حمایت هانری بر نگارش اثری نظری با نام سرزمین و تکامل انسانی^۵ یا مقدمه ای جغرافیایی بر تاریخ^۶ درباره جغرافیا و تاریخ آغاز کرد اما این طرح با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ متوقف گردید و تا سال ۱۹۲۲ موفق به چاپ آن نشد.^۷ فور طی سال‌های جنگ در یک کارخانه مسلسل سازی و یا به روایتی در گروهان مسلسل چی‌ها مشغول به خدمت شد، تقدیر نامه‌هایی گرفت و به درجه سروانی نائل آمد.^۸ جنگ به شکل اجتناب ناپذیری اندیشه‌های فور را تغییر داد و در او نوعی دیدگاه ضد ژرمن به‌وجود آورد. این شاید مهم‌ترین دلیل نپرداختن به آلمان از سوی فور بر خلاف معاصرانش بود. این موضوع به خوبی در نقد فور از جغرافیادان ملی‌گرای آلمانی، فردریش راتسل^۹ نمایان است.^{۱۰} فور که پس از جنگ در سال ۱۹۱۹ به سمت استادی در رشته تاریخ مدرن در دانشگاه تازه تأسیس استراسبورگ^{۱۱} در ناحیه آلزاس^{۱۲} منصوب شده بود با

1. *Philippe II et la Franche-Comte: etude d histoire politique, religieuse et sociale.*

۲. پیران، هجده؛ هیوز-وارینگتن، ۱۴۴.

3. Burke, 4.

۴. هیوز-وارینگتن، ۱۴۵.

5. *La terre et L evolution humaine.*

6. *A Geographical Introduction to History.*

۷. پیران، نوزده؛ هیوز-وارینگتن، ۱۴۵؛ Burke, 5.

۸. هیوز-وارینگتن، ۱۴۵؛ Burke, 5.

9. Ratzel, Friedrich.

10. Bentley, 108.

11. Strasbourg.

12. Alsace.

دیدگاه ضد ژرمنی خود قصد داشت تا طرح نیمه تمام مقدمه‌ای جغرافیایی بر تاریخ را به اتمام برساند. او به واقع این اثر را یکسره به نقد آراء و اندیشه‌های راتسل اختصاص داد.^۱ آثار راتسل و راتسلی‌ها به بررسی تأثیر محیط فیزیکی بر انسان می پرداخت. فور دو نقد مهم را به اندیشه‌های راتسل وارد کرد: اول، جبر جغرافیایی وی. از نظر فور نه تنها هیچ ضرورتی در عرصه جغرافیا وجود ندارد بلکه آنچه جغرافیا در اختیار انسان قرار می دهد همه اش امکان است. مثلاً هیچ مرز طبیعی‌ای وجود ندارد اگرچه یک رشته کوه مانند پیرنه^۲ ممکن است نقش یک مرز را بازی کند. دوم آنکه تأثیر محیط بر افراد انسانی غیرمستقیم است و از طریق ساختارها و اندیشه‌های اجتماعی صورت می پذیرد. بنابراین ممکن است یک رودخانه از نظر عده‌ای یک مانع و از نظر عده‌ای دیگر یک راه بازرگانی مهم تلقی شود.^۳ فور به تقلید از دولابلاش نگاه جغرافیایی خود به تاریخ را طی سال‌های بعد و به هنگام نگارش آثاری همچون *راین: مشکلات تاریخی و اقتصادی*^۴ همواره حفظ کرد.^۵ وی آثار مهم دیگری نیز دارد از جمله، *مارتین لوتر: یک سرنوشت*^۶ و *مساله بی ایمانی در قرن شانزدهم: دین رابله*^۷. کتاب اخیر که در سال‌های پایانی عمر علمی فور به نگارش درآمده، بحث انگیزترین و به نظر فرودل بهترین اثر اوست.^۸ فور در اثر اول تأکید می کند که برای رسیدن به درک صحیح از شخصیت لوتر باید زمان او یعنی شرایط محیطی اش بازسازی شود تا اعمال او معنای واقعی خود را نشان دهد.^۹ فور این کتاب را در پاسخ به کتاب *دنیفل*^{۱۰} بنام *لوتر و لوتریسم*^{۱۱} نوشت. دنیفل در کتابش انگیزه‌های جنسی و غرور روحی لوتر را

۱. هیوز-وارینگتن، ۱۴۵؛ Bentley, 108.

2. Pyrénées.

3. Burke, 5.

4. *Le Rhin: Problem d histoire et d economie.*

۵. هیوز - وارینگتن، ۱۴۶.

6. *Un destin: Martin Luther.*

7. *Le problem de l incroyance ou XVI le siècle: la religion de Rabelais.*

۸. همو، ۱۴۸-۱۴۷.

۹. پیران، بیست.

10. Denifle.

11. Luther und Luthertum.

بررسی کرده بود و فور همدلانه به دفاع از لوتر برخاست.^۱ فور اثر رابله را هم در تقابل با کتاب های مورخ دیگری نگاشت: آبل لوفران.^۲ فور در این کتاب تلاش می کند تا اثبات نماید که استنباط لوفران از دو اثر فرانسوا رابله یعنی گارگانتوا^۳ و پانتا گروئل^۴ به عنوان حملاتی علیه مسیحیت، بی اساس است.^۵ فور با بررسی های جامع در می یابد که نه تنها هیچ شاهی برای ارتداد رابله وجود ندارد بلکه اساساً طرح مفهومی به عنوان بی ایمانی و خداناباوری در قرن شانزدهم غیر ممکن بوده است.^۶ فور تا پایان عمر پربارش در سال ۱۹۵۴ علاوه بر نگارش آثار فراوان در حوزه تاریخ، فعالیت های بسیاری را برای تأسیس مکتب آنال همراه با مارک بلوک سامان داد.

این یار غار فور زندگی پر فراز و نشیبی دارد. دوستی این دو از همان آغازین سال فعالیت دانشگاه استراسبورگ شروع شد. بلوک یک فرانسوی یهودی بود. او در سال ۱۸۸۶ در لیون فرانسه و در خانواده ای دانشگاهی و اهل علم بدنیا آمد. پدرش گوستاو بلوک^۷، استاد تاریخ رم باستان بود که بلافاصله بعد از تولد مارک، جهت تدریس در دانشسرای عالی، همراه با خانواده اش به پاریس نقل مکان کرد. مادرش سارا ابستاین بلوک^۸ نیز از علاقمندان به علوم انسانی و انسان فرهیخته ای بود. بلوک همانند فور تحصیل خود را در دانشسرای عالی ادامه داد و این دوره را تا سال ۱۹۰۸ با مطالعه جغرافیا و تاریخ گذراند. بعد از فارغ التحصیلی از دانشسرای عالی یک سالی را در برلین و لایپزیگ گذراند جایی که در آنجا با کارل لامپرشت^۹ جغرافیادان معروف آلمانی و عقایدش آشنا شد. این آشنایی بعدها در شکل دهی به اندیشه تاریخی و جغرافیایی او مؤثر واقع شد. او سپس به پاریس آمد و از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۲ با استفاده از بورس تحصیلی بنیاد تیره^{۱۰} به

1. Burke, 7.
2. Lefrane, Abel.
3. Gargantue.
4. Pantagruel.

۵. هیوز- وارینگتن، ۱۴۸.

۶. پیران، بیست و یک؛ هیوز-وارینگتن، ۱۴۹-۱۴۸؛ Burke, 8.

7. Bloch, Gustave.
8. Bloch, Sarah Ebstein.
9. Lamprecht, Karl.
10. Fondation Thiers.

مطالعه و بررسی درباره منطقه ایل دو فرانس^۱ پرداخت. نتیجه این مطالعه بعدها تحت همین عنوان اخیر به چاپ رسید. اما دست تقدیر همانند زندگی همکار آینده اش، فور گسست‌هایی را به زندگی او تحمیل کرد. او از سویی گرفتار تدریس در مدارس فرانسه شد و از دیگر سو با جنگ جهانی اول مواجه گردید. بلوک در این زمان، درس و پژوهش را رها کرد و برای دفاع از میهن راهی مرز فرانسه و بلژیک شد، دوبار زخمی شد، نشان شجاعت گرفت و به درجه سروانی ارتقاء یافت. بعد از جنگ در سال ۱۹۱۹ با عنوان استاد تاریخ قرون وسطی در دانشگاه نوینباد استراسبورگ به تدریس مشغول و تا سال ۱۹۳۶ در این دانشگاه ماندگار شد.^۲ او پس از گذران دوره طلابی استراسبورگ، تحقیق و مطالعه درباره اروپای قرون وسطی و آشنایی با لوسین فور و تأسیس مجله آنال که در بخش‌های بعدی بدان پرداخته می‌شود، در سال ۱۹۳۶ برای تدریس در سوربن راهی پاریس شد. اما چندی نگذشت که آتش جنگ جهانی دیگری شعله ور شد و بلوک داوطلبانه به جبهه جنگ اعزام شد. با اشغال فرانسه در ۱۹۴۰ او به فرانسه ویشی^۳ پناه برد و در دانشگاه‌های کلرمونفران^۴ و مونیلیه^۵ به تدریس پرداخت. در همین ایام سخت شکست و اشغال او دست از پژوهش نکشید و دو اثر *حرفه مورخ*^۶ و *شکست عجیب*^۷ را نوشت. بلوک در سال ۱۹۴۳ هنگامی که فرانسه بطور کامل اشغال شد به گروه‌های مقاومت^۸ پیوست اما به زودی دستگیر و در ۱۶ ژوئن ۱۹۴۴ در سن دیده دوفرمان^۹ در نزدیکی زادگاهش، لیون تیرباران شد.^{۱۰} مارک بلوک در ۲۸ دسامبر ۱۹۳۳ در نامه منتشر نشده ای به اتین ژیلسون^{۱۱} خود را اینگونه

1. Ile-de-France.

۲. هیوز- وارینگتن، ۳۷-۳۴؛ پیران، بیست و سه و بیست و چهار؛ Davies, 93; Bentley 109-110.

3. Vichy France.

4. Clermont-Ferrand.

5. Montpellier.

6. *Historian's Craft*.

7. *L'etrange defaite*.

8. Mouvement Unis de la Resistance(MUR).

9. Saint-Didier-de-Formans.

۱۰. هیوز- وارینگتن، ۴۲-۳۷؛ Davies, 93.

11. Gilson, Etienne.

معرفی می‌کند: «عنوان من همیشه یک چیز بوده است: استاد تاریخ تطبیقی جوامع اروپایی و اگر روزی درباره این عنوان مورد سوال واقع شوم قبول نخواهم کرد که اصطلاح قرون وسطی را جایگزین اروپایی کنم.»^۱ صحت تعریف بلوک از خودش با آثاری که ارائه کرده است نمایان می‌شود. او را به واقع باید استاد مطالعات تطبیقی در حوزه تاریخ قرون وسطی دانست. بلوک همانند فور اولین آثار خود را در قالب مقاله برای چاپ به مجله هانزی بر سپرد. اولین اثر بارز و برجسته او همانگونه که قبلاً بدان اشاره شد تک نگاری درباره منطقه ایل دو فرانس بود. این اثر که قسمتی از مجموعه *مناطق فرانسه*^۲ بود ابتدا در مجله بر منتشر شد و به بررسی منطقه کوچک ایل دو فرانس اختصاص داشت. بلوک این مسأله را که ایل دو فرانس یک ناحیه واحد بود رد کرد و در این بررسی در پی یافتن ویژگی‌های متمایز یک منطقه و عوامل تأثیرگذار مادی بر افکار و اعمال مردم برآمد.^۳ بلوک که بیش از فور تحت تأثیر جامعه‌شناسی دورکیم قرار داشت، اثر برجسته بعدی خود را به *معجزه پادشاهان یا مس شاهانه اختصاص داد*. او در این کتاب قدرت شفابخشی پادشاهان را با مفهوم دورکیمی وجدان جمعی توضیح داد.^۴ وی به یاری دورکیم و دانش پزشکی برادرش این فرضیه را مطرح می‌کند که باور به مس شاهانه برای بهبود بیماری خنازیر به بیان دورکیمی، واقعیتی اجتماعی بوده است که به انسجام جامعه و وحدت آحاد جامعه مربوط می‌شود و به بیان دیگر شفابخشی، مکانیسمی در جهت تقویت انسجام گروهی محسوب می‌شده است.^۵ فاخرترین اثر بلوک را اما ویژگی‌های *اصلی تاریخ دهقانی فرانسه*^۶ می‌دانند. او در این کتاب بحث را از توپوگرافی آغاز کرده و سپس از رابطه انسان و زمین سخن گفته است رابطه‌ای که به اشکال مختلف به فعالیت‌های کشاورزی جان می‌بخشد و تنوع زندگی روستایی را سبب می‌شود.^۷

1. Raftis, 63.

2. Les regions de la France.

۳. هیوز- وارینگتن، ۳۶-۳۵.

۴. اسمیت، ۷۵؛ هیوز- وارینگتن، ۳۸؛ 112. Rhodes.

۵. پیران، بیست و پنج و بیست و شش.

6. *las caracteres origineax de l histoire rural Francaise.*

۷. همو، بیست و هفت.

وی در اینجا از مجموعه جامع اسناد و مدارک استثنایی شامل نقشه‌ها برای توصیف ارتباط میان محیط طبیعی و نهادهای اجتماعی از آغاز قرون وسطی تا انقلاب فرانسه بهره می‌گیرد.^۱ بلوک اما آخرین اثرش را هنگامی ارائه می‌کند که کولژ دو فرانس درخواست او را برای تدریس نپذیرفت و او ناامیدانه به سوربن روی آورد. این آخرین کتاب دو جلدی او با عنوان *جامعه فتودالی* و صفاستادانه‌ای درباره ساختار اجتماعی جامعه اروپای غربی و مرکزی در فاصله قرن‌های نهم و سیزدهم بدست می‌دهد. بلوک صرفاً به بررسی نظام‌های بومی فتودالی فرانسه، آلمان و ایتالیا نپرداخت بلکه آنها را با نظام‌های تحمیلی (مانند انگلستان) و مناطقی که فتودالیسم در آنها مورد پذیرش قرار نگرفته بود (نظیر اسکاتلند و اسکانداوی) و نظام‌های خارج از اروپا (مانند ژاپن) مقایسه کرد.^۲

از استراسبورگ تا پاریس: تأسیس و توسعه

فور و بلوک هر دو با اندکی فاصله از هم در سال ۱۹۱۹ و پس از اتمام جنگ جهانی اول وارد دانشگاه استراسبورگ شدند و خیلی زود به دلیل نزدیکی آراء و عقاید و دلبستگی‌ها و دغدغه‌های مشترک، یک دوستی طولانی مدت را آغاز کردند و در سال ۱۹۲۹ در اعتراض به تلقی رایج از تاریخ و در مخالفت با نگرش‌های خطی و تک‌بعدی به آن، مجله *آنال تاریخ اقتصادی و اجتماعی*^۳ را تأسیس کردند.^۴ آنها در نخستین شماره مجله سه هدف را مطرح کردند: تدارک دیدن یک تریبون آزاد برای گردهمایی تاریخ نویسان و دانشمندان علوم اجتماعی برای بحث و تبادل نظر، مورد تردید قرار دادن تقسیم بندی تاریخ به باستانی، قرون وسطی و جدید و جامعه به بدوی و متمدن و ایجاد انجمن علوم انسانی.^۵ اما نکته اساسی که توسط آنالی‌ها طی مقالات متعددی که به

۱. هیوز- وارینگتن، ۳۹.

۲. همو، ۴۰؛ پیران، بیست و هشت.

3. *Annales d'histoire économique et sociale*.

4. Hunt, 25.

۵. هیوز- وارینگتن، ۳۹.

چاپ رسید پی گیری شد، موضوع پرداختن به تاریخ با رهیافتی میان‌رشته‌ای و توجه بیشتر به عوامل اجتماعی و اقتصادی بود.^۱ در مقطع آغاز به کار آنال هیچ قصدی برای تأسیس یک مکتب نزد موسسان دیده نمی‌شود. حتی استفاده از واژگانی چون روش آنالی یا مکتب آنال با خنده فور و بلوک روبرو می‌شد.^۲ اما اقبال بسیار دانشمندان تاریخ و دیگر حوزه‌های علوم انسانی به رهیافت تازه آنال، نوید بخش تأسیس یک مکتب جدید تاریخ‌نگاری و سرآغاز یک جنبش روشنفکری بود. اگرچه هنوز هم سال‌ها بعد از تأسیس مکتب آنال بر سر نسبت‌دادن مفهوم مکتب به آن مناقشاتی وجود دارد. چارلز تیلی،^۳ جامعه‌شناس معروف آمریکایی معتقد است آنال مجموعه نظری خاصی ندارد که مختص خود او باشد. نظریه‌های او از همه جا اخذ شده است. آنچه خاص این نحله فکری است آمادگی در پذیرش ابتکار و قبول همکاری و تمایل مشهود در پیوند دادن موضوعات به هم است.^۴ برخی نیز بیشتر به علت پیدایش نوعی کیش آنال و تبلیغ پر سر و صدایی که در اطراف این مکتب انجام گرفت به خشم آمده حتی تا نفی اصالت نهضت فور و بلوک پیش رفتند. به عقیده ایشان این دو تاریخ‌نگار، مطلب جدیدی ابداع نکرده‌اند، زیرا در همان زمان افکار و برنامه‌های مشابهی در کشورهای دیگر نیز وجود داشته است. فقط حسن اقبال و شرایط مساعد به تاریخ‌نگاری نوین فرانسه امکان و مجال درخشیدن و موفقیتی این چنین را داده است.^۵

فور و بلوک همچون پیشگامان عصر روشنگری، ولتر و مونتسکیو خوانشی از تاریخ را ارائه دادند که تا تبدیل شدن به یک مکتب تمام عیار راه زیادی را طی نکرد و مجله آنال، حکم ارگان این مکتب را پیدا کرد. بنابراین، بررسی این مجله برای پی بردن به اندیشه آنالی‌ها سخت ضروری است. مجله آنال جز در مقطعی کوتاه به هنگام جنگ جهانی دوم، تیرباران بلوک و فراری شدن فور تقریباً به صورت مرتب منتشر شده است. اما فور و بلوک به زودی و پس از گذراندن دوره طلایی استراسبورگ هر یک جداگانه در جستجوی آرزوهای خویش راهی پاریس شدند و مجله

۱. پیران، سی و هفت.

2. Aymard, 3.

3. Tilly, Charles.

۴. پیران، سی و هفت.

۵. فولادوند، ۸.

را نیز به پاریس منتقل کردند. فور در سال ۱۹۳۳ استراسبورگ را به قصد عهده دار شدن سمت استادی در رشته تاریخ کولژ دو فرانس ترک کرد و بلوک نیز که قصد داشت ابتدا در کولژ دو فرانس رفیق دیرینه خویش را همراهی نماید با عدم پذیرش روبرو شد و ناامید و سرخورده، کرسی استادی تاریخ اقتصادی دانشگاه سوربن را در سال ۱۹۳۶ اشغال کرد.^۱ انتقال دفتر مجله به پاریس باعث ازدیاد علاقه‌مندان گروه و افزایش امکانات و در نتیجه درخشش بیشتر مجله شد.^۲ امانوئل لو روی لادوری^۳ یکی از سه نفری که از سال ۱۹۶۸ به جای برودل اداره مجله را عهده دار شدند، تاریخ آنال را از ابتدا تا ۱۹۷۰ به دو دوره کلی تقسیم کرده‌است: در اولین دوره که به نظر او تا سال ۱۹۴۵ ادامه داشت، مجله بر تاریخ نگاری کیفی ساخت‌گرا تأکید بیشتری کرده است. در دوره بعد به تاریخ کمی، فرایندها، سیکل‌ها و سری‌ها گرایش بیشتری نشان داده شده است بدون آنکه اهمیت ساخت‌ها را نادیده انگارد. در اولین دوره بلوک و فور تخیل خلاق و غنای تفکر تاریخی را تشویق می‌کردند. آنان که به طرح پرسش‌های مشکل‌عادت کرده بودند به چیزی کمتر از تاریخ تکامل نوع انسان رضایت نمی‌دادند و آن را تاریخ تام و تمام یا جامع^۴ نام داده بودند. لذا در اولین دوره، مقاله‌هایی درباره بنیاد نظری و روش‌شناختی تاریخ‌نگاری جدید در کنار مقالات متعددی در باب عصر و زمان یا دوره تاریخی، آب و هوا و ذهنیات و اندیشه جمعی به چاپ رسید. گرچه اکثر مقالات کیفی و نظری بودند لیکن به‌طور مرتب مقالاتی هم در باب کاربرد آمار در تاریخ، استفاده از اقتصادسنجی و کمی کردن در تاریخ نشر می‌یافت و از موضوعاتی چون تاریخ محلی و منطقه‌ای، جامعه روستایی، نظام ارزش‌ها، زندگی روزمره توده‌ها خاصه دهقانان و زندگی روستایی، بنیادهای روان‌شناختی مذهب، عقاید مذهبی و آداب و مناسک نیز غفلت نمی‌شد. مجله در مدت اشغال فرانسه به هنگام جنگ جهانی دوم برای فرار از مزاحمت‌های نازی‌ها، نامش به *جنگ تاریخ اجتماعی*^۵ تغییر یافت و بدون اشاره به فور و بلوک به

۱. هیوز- وارینگتن، ۱۴۸ و ۳۹-۴۰

۲. فولادوند، ۵

3. Le Roy Laurie, Emanuel .

4. Total history.

5. *Melanges d histoire sociale*.

کار خود ادامه داد. بعد از اتمام جنگ، *آنال* نام خود را یک بار دیگر تغییر داد و به *آنال اقتصادها، جوامع و تمدن‌ها*^۱ تبدیل شد. در نتیجه عنایت به تجزیه و تحلیل‌های کمی در باب جریان‌های اقتصادی و جمعیت‌شناختی در مرکز توجه قرار گرفت.

در همین دوره بنیادهای زیستی و مادی زندگی و موضوعاتی چون تغذیه، بهداشت، پوشاک، مد، تولید، تمایز طبقاتی، الگوهای طبقاتی و الگوهای زندگی مورد توجه قرار گرفت.^۲ اما مجله به تنهایی نمی‌توانست بار اندیشه‌های انتقادی و نوگرایی اندیشمندان *آنال* را به دوش بکشد بنابراین *آنال* قدم در راه فرایند تشکیل یک مکتب تاریخ‌نگاری نهاد. فور در سال ۱۹۴۷ ریاست بخش ششم^۳ مدرسه مطالعات عالی^۴ را بر عهده گرفت و بدین ترتیب *آنال* صاحب یک خواهر شد. می‌توان گفت که از این پس *آنال* با استفاده از امکانات و کمک‌های مالی نهاد بخش ششم توانست به محل نشر افکار گرداندگان آن و به محل تجمع مورخان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، قوم‌شناسان و ریاضیدانان بدل شود.^۵ بخش ششم از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۶ یعنی تا زمان مرگ فور زیر نظر او اداره شد اما بعد از آن برودل ریاست آن و همزمان رهبری *آنال* را بر عهده گرفت. طی ریاست برودل، بخش ششم و تشکیلات مجله درهم ادغام شد و برودل قدرتمندانه آن را اداره کرد. در سال ۱۹۷۰ بخش ششم و دفتر مجله به بخش نوین‌یاد علوم انسانی منتقل شد. این بخش با کمک های مالی وزارت آموزش ملی و بنیاد فورد^۶ تأسیس شده بود. در نهایت در سال ۱۹۷۵ بخش ششم تحت عنوان مدرسه مطالعات علوم اجتماعی^۷ مستقل شد.^۸ بنابراین با در نظر گرفتن رابطه بخش ششم و مجله، اطلاق مکتب به جریان *آنال* بجا و مناسب خواهد بود. در *آنال* دوره پسا جنگ می‌توان پنج گرایش عمده را تشخیص داد:

1. *Annales: Economies, Societes, Civilisations.*

۲. بیران، سی و هشت و سی و نه.

3. Sixieme Section.

4. Ecole Pratique des Hautes Etudes.

5. Aymard, 14.

6. Ford Foundation.

7. Ecole des Hautes Etudes en Sciences Sociales.

8. Hunt, 24.

۱. مطالعات مربوط به تاریخ روستایی و تاریخ محلی بر پایه پژوهش‌های جغرافیایی و منطقه‌ای.
 ۲. بررسی درباره تاریخ اقتصادی، جمعیت‌شناختی و جغرافیایی از طریق تجزیه و تحلیل‌های کمی هدایت شده توسط نظریه و در جهت اثبات آن نظریه‌ها.
 ۳. مطالعات انسان‌شناختی فرهنگ‌های غیر اروپایی در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین.
 ۴. پژوهش‌های مربوط به زندگی روزمره در گستره تاریخ و توجه به عادات و الگوهای زندگی به‌ویژه آداب مربوط به غذا خوردن چه از نظر زیست‌شناختی و چه از نظر رفتارهای اجتماعی.
 ۵. تحقیقاتی در زمینه دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها با تأکید بر تفکرات جمعی، شعور عمومی و تجزیه و تحلیل ساختاری اسطوره‌ها و افسانه‌ها.
- نگاهی به عناوین و موضوعات مقالات آنال نشان می‌دهد که عمده توجه ایشان در تاریخ معطوف به انسان بوده است. به همین دلیل است که تاریخ از سوی ورود علم انسان‌ها نامیده می‌شود. علم انسان‌ها در زمان^۱ اما آنال مانند هر مکتب تاریخ نگاری آماج انتقاداتی نیز بوده است. برخی بر این اعتقادند که این مکتب نسبت به تاریخ جوامع دیگر بی‌اعتنا بوده و صرفاً به تاریخ اروپا آن هم اروپای غربی پرداخته است. علاوه بر این، آنالی‌ها نسبت به تاریخ سیاسی، روابط بین الملل، تاریخ نظامی و بیوگرافی موضعی تحقیرآمیز داشته‌اند.^۲ نگاهی به آثار و مقالات آنال در طول دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که اگرچه پیروان این مکتب نسبت به تاریخ سیاسی و دیپلماتیک و یا حتی نظامی بی‌توجه بوده‌اند اما از ابتدای تأسیس نگاهی فرا اروپایی داشته‌اند و در پژوهش‌های خود جوامع دیگر را از نظر دور نکرده‌اند.^۳
- اگرچه از میان نسل سوم آنال - یعنی بعد از مرگ فرنان برودل - کسی نتوانست شخصیت علمی و نفوذ رهبران پیشین را کسب کند اما این مکتب در ابعاد مختلف گسترش یافت و در هر

۱. پیران، چهل و چهل و یک.

۲. فولادوند، ۸-۷؛ Huppert, 875.

3. Huppert, 875.

یک از شاخه‌ها آثار قابل ملاحظه‌ای عرضه کرد. امانوئل لو روی لادوری بعد از برودل به عنوان تنها چهره شاخص این مکتب هم‌زمان سردبیری مجله را بر عهده گرفت. لادوری که پس از بازنشستگی استادش - برودل - کرسی او را در کولژ دو فرانس اشغال کرده بود شهرت خود را به عنوان تاریخ‌نگاری مبتکر با انتشار رساله دکتری خویش با نام *کشاورزان لانگداک*^۱ تثبیت کرد. او به پیروی از روش تاریخ‌نگاری آنال در این رساله با بهره‌گرفتن از داده‌های کمی تاریخی سرشار از جزئیات به رشته نگارش درآورد.^۲ علاوه بر لادوری، کسان دیگری نیز میراث بر مکتب آنال پس از برودل به شمار می‌رفتند.^۳ میراث عظیمی که شاخه‌ها و زیر شاخه‌های گوناگون از جمله تاریخ اقتصادی، جغرافیای تاریخی، تاریخ جمعیت‌شناسی، تاریخ روحیات،^۴ مردم‌شناسی تاریخی، روان‌شناسی تاریخی، تاریخ کمی و تاریخ اجتماعی را در بر می‌گرفت.

بنابر این می‌توان گفت آنالی‌ها پس از برودل هر یک جداگانه مسیر خویش را ادامه دادند و دچار نوعی تفرقه شدند. سران جدید آنال اما در عین حال که موفق شدند جهات اصلی بینش بنیان‌گذاران را حفظ کنند توانستند در عرصه تجربه‌های تازه نیز گام زنند.^۵

آنال در یک نگاه کلی

پیتر برک^۶ مورخ برجسته‌ای که به تفصیل، مکتب آنال را در آثار خویش بررسی کرده، در مقاله‌ای کوتاه نکات مهم مطرح شده در مکتب آنال و ویژگی‌های آن را به صورت زیر دسته‌بندی کرده است:

۱. جغرافیای تاریخی: سابقه پرداختن به جغرافیای تاریخی، به بنیان‌گذاران آنال باز می‌گردد.

1. *Les paysant de Languedoc*.

۲. هیوز - وارینگتن، ۲۹۶.

۳. برای آشنایی با دیگر مورخان برجسته آنال به بخش سوم جلد چهارم مجموعه مقالات مکتب آنال تحت عنوان کلی *The Annales School* مراجعه شود.

4. *History of Mentalities*.

۵. فولادوند، ۷.

6. *Burke, Peter*.

بلوک در *ایل دو فرانس* و فور در *فرانش کنت* و تحت تأثیر جغرافیای نوین دولابلاش جغرافیای تاریخی را بکار بستند. این نکته را نباید از یاد برد که ویدال دولابلاش را با وجود فردریش راتسل آلمانی که پیش از این از او سخن به میان آمد نمی‌توان اولین جغرافیادان انسانی دانست. راتسل اگرچه مورد انتقاد فور قرار گرفت، اما شاهد آنیم که برودل به راتسل بازگشت می‌کند و از مفاهیم او نه تنها در زمینه جبر جغرافیایی بلکه از تحقیقاتش در باب امپراتوری‌ها و جزایر سود می‌برد.

۲. رهیافت جهانی: در مکتب آنال بر خلاف نظر انتقادآمیز برخی مورخان، نگاه جهانی همواره در آثار برجسته عرضه شده به چشم می‌آید که نمونه آن را می‌توان در اثر سترگ فرنان برودل، *مدیترانه و دنیای مدیترانه‌ای در عصر فیلیپ دوم*^۱ مشاهده کرد. اگرچه نباید کتاب نوآورانه و آخرین اثر هانری پیرن که به عنوان *الگوی برودل* از آن یاد می‌شود فراموش شود: محمد و *شارلمانی*^۲ پیرن به عنوان یکی از مورخان تحسین شده از سوی بنیان‌گذاران آنال با نگارش این کتاب، تاریخ غرب را با استفاده از حوادث تاریخی شرق توضیح داد.

۳. روش گذشته‌نگر: این مفهوم در آثار بلوک به‌ویژه در پژوهش درباره تاریخ روستایی فرانسه بکار گرفته شد. اگرچه او ادعایی در این باب ندارد. این اصطلاح البته با کمی تفاوت پیش از بلوک توسط اف. دابلیو میتلند^۳ که مورد تحسین بلوک نیز است استفاده شده بود. اما نامی ترین کسی که چنین روشی را در آثارش بکار بست، فوستیل دو کولانژ^۴ بود که از آن برای بررسی شهرهای باستانی کمک گرفت. دو کولانژ معلم پدر بلوک، گوستاو بود که او نیز همچون دو کولانژ متخصص تاریخ باستان به شمار می‌رفت.

۴. روش مقایسه‌ای: این روش هم البته از کشفیات بلوک نبود. زیرا هانری پیرن، دوست بلوک آن را به منظور دوری جستن از خطر نگاه قوم‌مدارانه در آثارش بکار گرفت. اما مقایسه‌های

1. *La mediterrane et le monde mediterraneen a l' époque de Philippe II.*

2. *Muhammad and Charlemange.*

3. Maitland, F. W.

4. Coulanges, Fustel de.

بلوک، سازمان‌دهی شده و تحلیلی‌تر بودند. بهر روی اگر چه روش مقایسه‌ای مختص آنالی‌ها نبود اما از جمله روش‌هایی بود که آنان به شکل وسیعی آن را به کار بستند

۵. رهیافت میان‌رشته‌ای: این رهیافت از ابداعات فور و بلوک نبود. از میان بزرگ‌ترین پیشگامان این عرصه می‌توان به هانری بر اشاره کرد که توضیح مفصل آن در بخش‌های پیشین آورده شد. در آلمان می‌توان واربورگ^۱ و کارل لامپرشت را نام برد. در حلقه درسی لامپرشت افرادی چون راتسل و وونت^۲ که روانشناس بزرگی بود حضور داشتند. این رهیافت در بریتانیا و آمریکا نیز طرفدار داشت.

۶. تاریخ‌روحيات: تاریخ‌نگاری روحيات چنانکه در مس شاهانه بلوک مورد استفاده قرار گرفت و فور هم از آن بهره برد، پیشگامانی چند داشت که از جمله می‌توان به یوهان هویزینگا^۳ اشاره کرد. هویزینگا همانند بلوک و فور به روان‌شناسی علاقه داشت و در لایزیگ^۴ - جایی که دورکیم در آنجا تحصیل کرده بود - زیر نظر ویلهلم وونت، روان‌شناسی اجتماعی خوانده بود. گذشته از او گروهی از اندیشمندان از جمله دورکیم، ماس، هرترز^۵ و هوبرت^۵ نیز به تاریخ روحيات پرداخته بودند و آثارشان مورد استفاده آنالی‌ها قرار گرفت.

۷. تأکید بر ساختارها: تأکید بر وقایع منفرد و یکه از سوی تاریخ‌نگاران معاصر با بنیانگذاران آنال، آنها را به سمت و پذیرش ساختارها و نه وقایع در تاریخ هدایت کرد. موضوعی که در آثار برودل بسیار پر رنگ می‌نماید. از جمله پیشگامان این عرصه فرانکوا سیمیان و استادش امیل دورکیم بودند. هر دوی آنها رهیافت سینوبوس به وقایع منفرد را مورد انتقاد قرار دادند.

۸. تأکید بر تاریخ اقتصادی و اجتماعی: تلقی رایج از تاریخ معاصر با ظهور آنال و تأکید فراوان بر تاریخ سیاسی، دیگر رهیافت‌ها از جمله تاریخ اقتصادی و اجتماعی را به حاشیه رانده بود. آنالی‌ها کوشیدند تا به تاریخ از دریچه اجتماع و اقتصاد بنگرند. در این میان البته نباید نقش

1. Warburg, Aby.
2. Wundt.
3. Huizinga, Johan.
4. Hertz.
5. Hubert.

انتشار مجله بررسی تاریخ اقتصادی^۱ را که دو سال پیش از تأسیس مجله آنال در سال ۱۹۲۷ آغاز شده بود از یاد برد. ای. لیسون^۲ و آر.اچ. تاوینی^۳ از سردبیران این مجله بودند و در آغاز، مقالاتی همانند مقالات آنال در زمینه اقتصاد منتشر کردند. یادآوری این نکته ضروری است که هانری پیرن که بعدها و به درخواست فور و بلوک مقالاتی برای آنال نوشت، با این مجله همکاری می کرد. همچنین بال و پر گرفتن اندیشه های مارکس و تأثیر آن بر آنالی ها در جهت توجه بیشتر به عوامل اقتصادی در تحقیقات تاریخی - که خود می تواند دستمایه تألیف یک مقاله جداگانه ای قرار گیرد - قابل ملاحظه است.^۴

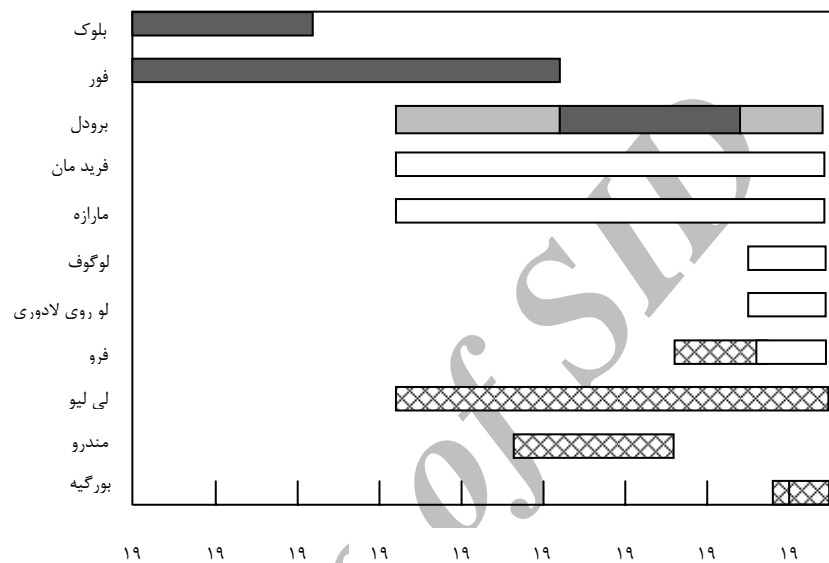
جدول شماره ۱

تغییر اسامی مجله در دوره های مختلف تاریخی

۱۹۲۹-۳۸	آنال تاریخ اقتصادی و اجتماعی
۱۹۳۹-۴۱	آنال تاریخ اجتماعی
۱۹۴۲-۴۵	جنگ تاریخ اجتماعی
۱۹۴۵- به بعد	آنال اقتصاد ها، جوامع و تمدن ها

1. *Economic History Review*.
2. Lipson, E.
3. Tawney, R. H.
4. Burke, 1990: 270-276.

جدول شماره ۲
مدیران و گردانندگان مجله آنال از ۱۹۲۹ تا ۱۹۷۲



مستطیل دودی رنگ= مدیر تحریریه؛ مستطیل سفید= سردبیر؛ مستطیل خاکستری= دبیر کمیته سردبیری؛ مستطیل هاشورزده= دبیر هیئت تحریریه^۱

جدول شماره ۳
محتوای مقالات مجله آنال ۱۹۸۴-۱۹۶۵ (به درصد)

فکر و فرهنگی	سیاسی	مردم شناسی	اجتماعی	اقتصادی	تاریخ و تمدن
۳۴	۱۴	۱۳	۲۲	۱۸	۷۴-
۲۵	۱۱	۱۳	۲۴	۱۹	۸۴-
					۱۹۶۵
					۱۹۷۵

باید توجه داشت که درصد ها بصورت تقریبی محاسبه شده است.^۲

۱. برگرفته از Hexter , 3/36.

۲. برگرفته از Hunt , 1/30.

- استویانویج، ترایان، روش تاریخی یا پارادایم آنال، ترجمه نسرین جهانگرد، تهران، نشر فضا، ۱۳۸۶.
- اسمیت، دنیس، برآمدن جامعه شناسی تاریخی، ترجمه سیدهاشم آقاجری، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۶.
- بهرامی، روح الله، مکتب آنال، جامعیت فکر تاریخی، شیراز، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۶.
- پیران، پرویز، سرمایه داری و حیات مادی ۱۸۰۰-۱۴۰۰، نوشته فرنان برودل، ترجمه بهزاد باشی تهران، نشر نی، ۱۳۷۲. (مقدمه کتاب)
- فولادوند، حامد، «مکتب آنال در تاریخ نگاری فرانسه» در مجموعه بینش و روش در تاریخ نگاری معاصر، زیر نظر منصوره نظام مافی و حامد فولادوند، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۵.
- همیلتون، گری جی، رندال کولینز و دیگران، تاریخ نگاری و جامعه شناسی تاریخی، ترجمه سید هاشم آقاجری، تهران، انتشارات کویر ۱۳۸۵.
- هیوز-وارینگتن، مارنی، پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ترجمه محمد رضا بدیعی، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۸۶.

- Aymard, Maurice, *The Annales and French Historiography (1929-72)*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1999, vol.I, pp.3-23.
- Bentley, Michael, *Modern Historiography*, London, Routledge, 2005.
- Burke, Peter, *Introduction: The Development of Lucien Febvre*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1973, vol.IV, pp.3-10.
- Idem, *The Annales in Global Context*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1990, vol.I, pp.268-280.
- Davies, R. R., *Marc Bloch*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1999, vol.IV, pp.91-109.
- Hexter, J. H., *Fernand Braudel and the Monde Braudellien...*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1999, vol.III, pp.30-84.
- Hunt, Lynn, *French History in the Last Twenty Years: The Rise and Fall of the Annales Paradigm*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1999, vol.I, pp.24-38.
- Huppert, George, *The Annales Exprimment*, in Michael Bentley (ed.) *Companion to Historiography*, London, Routledge, 2002.
- Hursgor, Michael, *Total History: The Annales School*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1999, vol.I, pp.255-267.
- Munslow, Alun, *The Routledge Companion to Historical Studies*, London, Routledge, 2006.
- Raftis, J. Ambrose, *March Bloch's Comparative Method and the Rural History of Mediaeval England*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1999, vol.IV, pp.63-79.
- Rhodes, R. Colbert, *Emile Durkheim and the Historical Thought of March Bloch*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1999, vol.IV, pp.110-137.
- Trover-Roper, H. R. *Fernand Braudel, The Annales, and the Mediteranean*, in Stuart Clark (ed.) *The Annales School Critical Assesments*, London, Routledge, 1999, vol.III, pp.19-29.